

حقیقت

شماره ۲۹

۱۴ تیر ۱۳۵۹

هشتاد و نه که ارتجاع شاهی دارد

بر نارضایتیهای مردم سوار میشود

این وضع می نماید. هم بستگی و محبتی که انقلاب در میان مردم بوجود آورده بود از میان رفته و مردمی که در روزهای قیام و پیش از آن برای کمک به همدیگر از زیر و گبار مسلسل میگذشتند و چه بسا در آن میان شهید میشدند اینک بر سر کوچکترین مسائل گریبان یکدیگر را می درند. سرخوردگی از انقلاب روز به روز در آنها منتهای در میان مردم گسترده تر میشود و بسیاری از بقیه در صفحه ۲

گرانی همچنان بیداد میکند. نایابی و کمبود ما به نیاز اولیه زندگی مردم را به ستوه آورده است. هر جا که نگاه کنید صفهای طولی از مردم است که برای تهیه مواد اولیه زندگی ایستاده اند. غم و اندوهی که بر چهره های مردم نشسته است حکایت از نارضایتی عمیق انسان از

درباره دوست خنرانی آیت الله خمینی

یعنی اختلافات و مرزبندی های که ایندورا از لحاظ سیاسی (و این تعیین کنند است) از یکدیگر جدا مینماید. پرده پوتاند. خنرانی بقیه در صفحه ۲

هفته گذشته آیت الله خمینی دو سخنرانی مهم ، یکی در روز چهارشنبه ۴ تیر و دیگری پنجشنبه ۵ تیرماه ایراد کرد. سخنرانی اول ، عمدتاً موضع گیری و حمله های بود بر علیه سازمان مجاهدین خلق ، که ضمن آن مجاهدین بعنوان " منافقین " ، " التقاطی " و " منحرف " و آمریکائی معرفی شدند و چنین واسموده شد که آنها بر علیه مردم عمل کرده ، در صدد ایجا دلبوا و آشوب میباشند . سبک کلام ، از حملات مشخص علیه مجاهدین خلق که بگذرد. هم ، این سخنرانی بیانگر مواضع و نظراتی است که آیت الله خمینی نسبت به نیروهای دموکراتیک و انقلابی دارد و قطعی است که ایشان را از آنها جدا مینماید. اینکه این مسائل ریز و پودری از مسائل " مکتبی " و برداشت های گوناگون از اسلام عنوان گشته و میگردد. به هیچ رو نمیتوانند بر اساس مسئله ،

یا "میثاق وحدت" التقاط واقعی؟

دهد و در پس کلمات مبهم و نا روشن از توطئه ای بر علیه خود نام میبرد. در همین حین است که بنی صدر و جناح او در حکومت آغاز به لنگر کشی در خارج از قدرت سیاسی و همه نیروهای را که مینموند سر علیه حزب جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

آیت و همدستانش در حزب جمهوری اسلامی برای قبضه کردن قدرت سیاسی بر علیه جناح بنی صدر توطئه می نمایند. مدارک ایمن توطئه بدست بنی صدر می افتد، او به ما م گزارش میکند، و در عین حال بطور غیر مستقیم مسئله را به بیرون در می -

در این شماره

عطب زاده بر مرزا سوسان آمریکا می کند

صفحه ۱۲

بسرک مسکو

صفحه ۱۲

در چه داران بیرونی هوا می کشد

صفحه ۷

کارگران محدوده چپر

کارگران سفرو هیچ چپر

صفحه ۷

اعلامه عده ای از کارگران شرکت فلور

صفحه ۸

کردن اساس مناسبات و نهادهای بازمانده از رژیم گذشته، بلکه بسنده کردن به حذف آرم‌های مانده از رژیم گذشته و تحمیل "یو-

درباره دو سخنرانی اخیر.....

نقیه از صفحه اول

دوم، عمدتاً "موضع‌گیری و حمله‌ای بود بر علیه نهادهای بازمانده از رژیم گذشته و مناسبات جوئی مقامات دولت و "سورای انقلاب" با این نهادها، که ضمن آن آیت الله خمینی، از ملت ایران بخاطر ضعفش در حل این معضلات عذرخواهی کرد. گفتنی است که حمله به نهادهای بازمانده از رژیم گذشته به ظواهر امر محدود گشت و به "آرم" رژیم گذشته و ضرورت حذف آن از کاغذها و پرچم دولتی پرداخته شد، که بدنبال آن "موج طاعت زدائی" (که نه متوجه اساسی نهادهای بازمانده از رژیم گذشته، بلکه ظواهریست) آغاز گردید. این سخنرانی، بیانگر مواضع و نقطه نظرهای است که آیت الله خمینی بر علیه نهادهای بازمانده از رژیم گذشته و کسانی که با آنها مماشات می‌ورزند دارند و در خود از یکسو این ضدیت را آشکار ساخته و از سوی دیگر محدودیت آنرا عیان می‌سازد. بدنبال سخنرانی اول "موج" ضد مجاهدین "براه افتاد و آنهایی که از مدتها پیش در آرزوی چنین فرصتی بودند حمله به مراکز مجاهدین را آغاز کردند و به یکی از این مراکز بمب پرتاب کردند و سیل اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها و مقالات بر علیه "منافعی" روان شد. بدنبال سخنرانی دوم، "موج" طاعت زدائی "براه آمد" که هدفش به ویران

بینی بالاجبار، دولتیست دارد. آیت الله خمینی از یکسو با منافع انقلابی و اساسی کارگران و دهقانان ایران ضدیت می‌ورزد و از سوی دیگر مخالف امپریالیسم و ارتجاع است. اینچنین موقعیتی ایجاد نیز می‌کند که دارندگان آن بالاجبار هم با امپریالیسم و ارتجاع و هم با منافع اساسی کارگران و دهقانان به ستیز برخیزند و به هر دو اعلان جنگ نمایند. در یکسوی این نیرو، امپریالیسم و ارتجاع قرار دارند که خواهان برانداختن وی و روی کار آوردن حکومت خود است و از اینرو وی را تهدید می‌کند و در سوی دیگر، کارگران و دهقانان قرار دارند که تا منافع اساسی خود پیش را در کفایت این نیرو و نیافتن و در میان رزوه برای خواسته‌های خود در برابر آن نیز قرار می‌گیرند. این نیروی "ماهی" خرده بورژوازی (با ویژگیهای پیوند با مالکان متوسط) از دو سو خود را با خطر مواجه می‌بیند و در نتیجه بر علیه هر دو شمشیر می‌کشد و اعلام موضع مینماید. این نیرو خود را نماینده همه ملت می‌پندارد، لکن از آنجا که قادر به برآوردن ختن نیازهای اساسی کارگران و دهقانان نیست، قادر نیز نیست که آن‌ها را نماینده بندگان کند. عجز و ضعف وی نیز از همین جانی می‌گردد: دولتیست شمشیر این نیرو، هر یک ویژگیهای غیرمخصوص بخود دارد، اول اینکه هیچ یک برنده (به آن معنی که بتواند کار را بکسر نماید) نیست. این نیرو گرچه مخالف امپریالیسم و ارتجاع است، لکن قادر نیست با امپریالیسم و ارتجاع ریشه‌کن سازد و در مقابل بالاجبار با برل و سطحی

گراشی همراه و عین می‌باشد و در برابر امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده این امپریالیسم برمیخیزد و به آن ضربه می‌زند، لکن ضربه‌اش از برندگی کافی نیست و در نتیجه نمی‌تواند آن‌ها را از اساس ریشه کن سازد. این که آیت الله خمینی در نطق اخیر خویش خود به ضعف خویش اعتراف نموده است، نه بی‌انگیزه است، بلکه بی آنکه خود نازل شود، واقف باشد، بیانگر موقعیت عینی و اجتناب ناپذیر است. آیت الله خمینی با شدیدترین الفاظ به درستی به نهادهای بازمانده از رژیم گذشته و مناسبات جوئی "سورای انقلاب" و رئیس جمهور حمله می‌کند، لکن ضربه را به اساس این نهادها نکرده و دست آخر کار را دوباره به همان نیروهای سازشکاران و نفاق‌ها بی‌سپارد تا برای "طاعت زدائی" کنند و آن‌ها نیز بر حسب جایگاه و موقعیتشان هر کدام بنوعی مسئله را مستقیماً مالی می‌نمایند. یکی به چاپ زدن کاغذها و دیگری به نوشتن "بوشن اسلامی" را علم می‌کنند و باندو نیز اصل مطلب را بفراموشی می‌سپارند و با نورهای آگاهانه، همان روس گدسه را در پوشی نویسنده سال می‌کنند،

ضعف یا دسه در با یکاه طبقاتی این نیرو ریشه دارد و در مماشات با نیروهای بورژوازی لیبرال و بورژوازی دلال صفت و مالکان هم‌ساز و منسب با ایدو خود را نشان میدهد.

ارزوی دیگر با سوخته نهاد کار با امپریالیسم و ارتجاع، و در مبارزه با آنها، اسب و روحانیت و بی‌سپاری و همراهی اکبر است

صفحه در صفحه ۶

هندا رکهار تجاع

سأهسا هی سد سداد
فائل سوچی ار حاسد
های مردم راه دیاسه و
مردم میخواستند که
حقیقت را از زبان این
جاسکاران فراری

سعیدار محمد اول

بسیوند، راستی حران راهی از
مردم "نجات دهندگان" خویش را
با یی در آن سوی مرزهای ایران
و در میان جاسکاران فراری
و نوکران امیرالسلطنه
کنند؟ وای سید
زمینه های
امیرالسلطنه
کودتای
هد کرد
پنی ها
از اسلحه
یک قط سلطانی نیرومند در
جاسد که سواد این نارضا
ینی ها را در جهت درستی راه
بری کنند و اسلحه های مردم
از انقلاب جلوگیری نماید از
طرف دیگر موجب گردیده است
که یک گرایش ارتجاعی، گسرا
یشی بسوی بازگشت به شرایط
پیش از انقلاب در میان بحس
قابل توجهی از مردم بوجود
آید.

باند های سازشکاران
انقلابی حاکم بردولت و "سور"
انقلاب" در طول این یکسال و
نیمی گذار قیام بیهمی مادمی
گذرد به تنها با ریشه های رسد
ارتجاع ساهسا هی میباررد
کرده اند بلکه خود زنده های
جدیدی را جهت رساندن ارتجاع
آفریده اند.

حران اقتصادی وسای
سی که باند های حاکم هم اکنون
با آن دست به کربان هستند
حیری نیست مگر سحر خط می
وسایب های صدکارگری و صد
دهقانی که باند های حاکم پس
ارتجاع بیهمی ماه در سسی
گرسند و اکنون سران راهی
مدهند. باند های حاکم چون
مخواستند و سواد سدی

مردم که باندل و جان در انقلاب
سرکب کردند و در راه سرتکونی
ر بیم مسخوس ساهار خود رسا
دینها و مددکار بیجانسان دادند
از انقلاب مایوس مینوند، و در
پس این یاسها و سرخوردگی
ها صدا انقلاب ساهنسا هی بکمین
نستنه است. صدا انقلاب ساهنسا
هی با پوستهای مختلف تسلط
میکنند که برنا رضایتی های
مردم سوار شود و آنرا به سوی
خویش سمت و حرکت دهد. اینک
بر تعداد دشمنان رادیوهای
ارتجاعی هر روز افزوده میگرد
آیا این امری است تصادمی؟
اینکه در پیج های قشوقا بل
توجهی از مردم زمزمه های
طرفداری از ساقپور بختیار
مزدور و سرتکون شده سابق
بگوش میرسد امری است تصا
دقی؟ خیر، این امر مستقیما
ارتباط دارد با سرخوردگی
لایه های روزافزونی از مردم
از انقلاب و برای یک انقلاب
هیچ چیز در دنیا کمتر و گشاده تر
از این نیست که مردم نسبت به
سرنوشت آن بی تفاوت گردند
و با بسوی دشمنانش گرایش
یابند. مگر همین مردم نبودند
که در کوچه ها و خیابانها فریاد
میگشیدند "مرک برای
بخنبار سوگرایی اختیار" و مگر
پس از آنکه بخنبار مزدور
نوسط دوسا سرازمرز "بارر
کان" فرار داده سود مردم در به
در برای بیدار کردن و محاکمه و
مجاراس میکشید، خده
است که آن مرد و در حاکم
امروزه در در میان ساره ای
از مردم کم کم محبوب مسود و
رادیو سسار رود مگر سس

طبقات و نیروهای بالنده
خلق بکینه گنند، چون نه می
خواهند و نه میتوانند به کار
کران، دهقانان و روشنفکران
انقلابی در بازسازی کشور
تکیه نمایند لاجرم این بحران
اقتصادی و سیاسی باز هم
دامنه اس گسترده تر میشود و
پرواضح است که در جریان این
بحران آنکس که کمرش خورد
میگردد با زحمتکشان میهن
ما هستند. حمایت از سرمایه
داران و وابسته و دشمنی با
شوراهای واقعی و تشکل های
انقلابی کارگران در عمل
نتیجه ای جز عمق بخشیدن به
بحران اقتصادی و امراض
ناشی از آن یعنی بیکاری،
گرانی، نایابی و احتکار و
غیره بنا رنیآ ورده و نخواهد
آورد. و حمایت از فئودال ها
و زمین داران بزرگ و سرکوب
دهقانان ستم دیده و بی
خاسته ایران نیز در عمل
نتیجه ای در بر نداشتنه و
نخواهد داشت جز جلوگیری از
رشد کشارزی ایران و ادامه
سیره روزی دهقانان و نهایتا
ادامه وابستگی غذایی و
کشاورزی مردم ایران به
غرب و شرق.

بدین ترتیب حتی در
موردی که پای رشد صدا انقلاب
ساهنسا هی در میان است ذر
شرایطی که جنایتکاران و
نوکران فراری امیرالسلطنه
آمریکا میکوشند که برنا رضای
یتی های مردم سوار شوند باز
با ندفتنه انگیز "حزب جمهو
ری اسلامی" هدف های پلیس
خویش را دنبال میکنند، این
دارودسته صدا انقلابی همراه
با دارودسته های سازشکار به
جای مفا بله با صدا انقلاب
ساهنسا هی خود شرایط رشدش
را فراهم میسازند. ما در ساه
ره های پیشین "حقیقت" ساه
داده ایم که چگونه دارودسته
صدا انقلابی خود زنده را برای
اجرای یک کودتای امپریا
لیستی در میهن ما ماسا عدمی
کرده اند.

آمدن این بحران اقتصادی
هستد، ریاکارانه میکوشند
حسن و انمود سازند که اس
بحران ساسی ار "نورم جهان"
"کمکاری کارگران"، و
"سحریکات گروه های جب" و
غیره می باشد، اینان برای
بسی بردن امیال صدا انقلابی
خود حتی مسئله کراسی و
بحران اقتصادی را به کردن
سروهای انقلابی ماسازند.
حدی پیش در یک مصاحبه
تلویزیونی یکی از خواهان
مسلمان در حواص حسسکار
"اسلامی" تلویزیون گدگوسا
برای کشف علت گراسی

بوجود آوردند. نیرو-
هایی که اساساً در
پیشبردا موردولتی
دست سازش و اتحاد
بسوی بقایای رتجاع
مجمد راضاهای باز

"میثاق وحدت" یا التقاط واقعی
قبه از صفحه اول

کرده و جای پای خود را در مسند
های دولتی محکم نمودند ،
از آنجا تکیه غیر انقلابی و
سازشکار بوده و بر ضد جریان
تکاملی انقلاب ایران گام
بر میداشتند ، در نهایت با
تمکین به دستگاه دولتی با -
قی مانده از رژیم سابق و حفظ
و حراست از آن ، نمی توانسته
ونمی توانستند وضعیت بی ثباتی
تی و تعدد مراکز قدرتی موجو
راببارنیا ورنند و انقلا ب
بزرگ ایران را به بین بستنی
که خمینی را نیز به اذعان به
عجز در مقابل آن و امیادارد ،
نرسانند. جناحهای منتسب
به بنی صدر ، بهشتی و بازگان
و... که همه شان از سیاست -
های سازشکارانه و ضد انقلابی
و ارتجاعی همراه با دسیسه و
توطئه چینی پیروی می نمودند -
بند ، و برای تحکیم قدرت خود
به باقی مانده رژیم گذشته ،
یعنی به "ارتش جمهوری
اسلامی" با فرماندهان شاه
پرستش لمیده اند ، و در طی
۱۷ ماه گذشته علیرغم سعی و
کوشان برای بیرون اندا -
ختن و یا محدود کردن قدرت
خرده بورژوازی سنتی از درون
قدرت سیاسی ، کار بجایی
نبرده اند ، به جدال با یک
دیگر پرداخته و سعی می نمودند -
بند مقدمات تسخیر قدرت کا -
مل خود را در زمان حیثیات
خمینی آماده نموده تا پس از
اوتسویه حساب راقطعی نمودند -
بند. این دیگر به واقعیتی
تبدیل شده که با حضور خمینی
در محنه سیاسی جامعه امکان
قضه کردن بگانه نشد ، قدر

بسیج کند ، بگرد خود جمع
می نماید. شکاف میان
جناح های بورژوا - ملی
بنی صدر و اردسته بورژوا
دلالت صفت بهشتی و شرکاء درون
قدرت سیاسی بالا میگردد .
افکار مردم متوجه توطئه علیه
" جمهوری اسلامی و ریاست
جمهوری " میگردد ، همه در
انتظار این که حوالی ۱۵ خرداد
اتفاقات شومی بيفتد لحظه
شماری می نمایند ، ۱۵ خرداد
فرا میرسد و میگذرد ، اتفاقی
وقوع نمی یابد ، مبارزه در
پشت پرده های سیاست بازان
حاکم بر سر قدرت و یارکشی
ادامه می یابد و وج میگردد ،
و ناگهان مردمی که انتظار
لحظات بحرانی را میکشیدند ،
به یکبار با چرخش در بالایی ها
مواجه میشوند که " وحدت "
صورت گرفته است ! انگار
جامه بهت زده ما در گیجی
خود غرق شده و نمی دانند به
کدام ریسمان دست اندازد و
راه گشایی نماید . این همه
جنجال و سیاست بازی و سخن
از توطئه و کودتا و آخر هیچ !!
واقعیت اینست که سر -
منشاء این دسته بندیها و
رقابت جویی ها که علیرغم
توافقنا مه های رنگارنگ
کماکان ادامه داشته و خوا -
هد داشت ، در این نهفته است
که پیرو پیروزی قیام در سر -
نگون کردن دربار و تغییر
رژیم سیاسی حاکم ، نیروهای
طبقه ای جدیدی در تشکیل
حکومت جدید وارد گشتند و یک
وضعیت بی ثباتی و نا هم -
عین متعدد را ایجاد کرد

سوی جناحهای یا شد ،
فوق ممکن نبوده ، و بناچار
بخاطر سیاست خمینی مبنی
بر حفظ وحدت آقایان بورژوا
در حاکمیت سیاسی عرصه
رقابت ها در چارچوب ایجاد
مقدمات تسخیر آتی قدرت
سیاسی محدود گشته است . و
این اولین واقعیتی است
که پس از افشاء شدن توطئه
آیت و همدستان روحانی اش
در حزب جمهوری اسلامی به
وضوح دیده میشود . و ناگفته
نماند که فرماندهان شاه پر -
ست ارتش جمهوری اسلامی ،
ساواکیها ، بختیاریهادر و
و بیرون دولت کنونی ، همه
بر کوه های میدان جدال این
دار و دسته ها نشستند ، گاهی
برای این گروه و گاهی برای
آن رقیب هورا میکشند و در
انتظار فرصت مناسب اندتا
تکلیف رقیبان را یکسره
نمایند و بدون تردید با جنا -
حهایی از اینان که خاصه سر
از حزب جمهوری اسلامی در
آورده اند ، میثاق وحدت
واقعی خود را ببندند .
ما در باره نقش خمینی
در این رقابت و جدالهای
قدرت جناح بنی صدر و بهشتی ،
نظرات خود را در جای دیگر
همین نشریه آورده ایم ، در این
جابه همین بسنده میکنیم که
خرده بورژوازی سنتی برای
اعمال سیاست خود در جهت
استقرار نظام جمهوری اسلامی
اش به این جناحها تکیه زده
و قبل از هر چیز پیروزی خود
را در وحدت کلمه و اراده این
جناحهای رقیب در پیاده کردن
سیاستهایش می بیند . و از
این روست که قبیل از اینکه
در این گیرودار رقابت های
طرفی ببندد ، به وحدت میان
اینان تحت عنوان " وحدت
کلمه " چشم امید بسته است .
خمینی با تکیه بر مقامی که
در میان مردم دارد ، به

این جناحها قشار وارد میکند
تا " وحدت کلمه " خود را حفظ
کنند ، چرا که در پیس تفرقه -
این جناحها ، عجز خود را می -
بیند و در پیس وحدت کلمه
اینان قدرت خود . البته او
اینطور فکر میکند ولیکن
بورژواهای منتخب او در پی
قدرت خویش اند !
عنا دورزی خمینی با
مجا هدین خلق بیش از هر چیز
ناشی از حرکت مجا هدین خلق
در بهم زدن این " وحدت کلمه "
میان دولت مردان منتخب
خمینی میباشد که در مورد
توطئه آیت بوجه بازی خود
را نشان داد . محتوی موضع
خمینی علیه مجا هدین خلق
چیزی نبود که اخیراً بدان
دست یافته باشد ، بلکه شرایط
خاص کنونی در جامعه و کوشی
که این نیرو در جهت استفاده
از تضادهای موجود در جناحها
درون قدرت سیاسی مینمود ،
بود که به اعلان علنی این
موضع و ادا ر نمود .
در اینجاست که میتوان
متن توافقنا مایی صدر و
اعضاء " شورای انقلاب " در
واقع دار و دسته حاکم بر حزب
جمهوری اسلامی حاضر در " سو -
رای انقلاب " - بر ایمنان
معنا میباشد .
امضاء کنندگان متن
توافقنا مه " وحدت " پس از
توافق خود و بویژه سعادت آنکه
هو و جنجال و توطئه و دسیسه
چینی و خط و نشان کشیدها ،
با عوام فریبی مسخره ای
اعلام نمودند که " سوء تفاهات
اخیر رفع شده است " !! قرار
نودصد یکدیگر کودتا کنند ،
بعد میگویند سو ، ناهمی پس
نبوده و رفع شده !!
معاد این قطعاً مدتها
بیا نگریک چیز است . بی صدر
مقداری امنار کرده ولی
در عین حال امنارار
بشماری بر مقامی حسود داده
بفکر در صفحه ۵

هدا رکهارتجاج

از طریق مبارزه انقلابی
توده‌ها و حلقه‌های مهر-
مان به رهبری طبقه
کارگرزمنده ایران
کسب خواهد شد" (تاکید
از ماست). اولاً باید

ادعان کرد که مردم ایران در
مورد ما هیت این مخالفین
ارتجاعی حکومت کنونی
تردیدی نداشته و ندارند که
لازم به توضیح و تبلیغ از سوی
پیکارویا دیگر سا زمان های
سیاسی باشد، ثانیاً آنچه که
قابل تردید است، خط سیاسی
سا زمان پیکار است که مبارزه
مردم ما را درست و سوی دیگری
از آنچه که هست تصور میکنند و
کویا با واقعیات جامعه ما اصلاً
آشنائی ندارند. آزادی خلق -
های میهن ما در کور مبارزه با
حکومت کنونی است؟؟ و یا
بعبارت دیگر تضا د عمده جامعه
ما حکومت کنونی است که شما
آنرا "ارتجاعی" نیز قلمداد
میکنید؟؟! این کافی نیست
که صرفاً با اعلام موضع علیه
دارودسته‌های بختیار و ویسی
و سایر وابستگان شاه مخلوع
خط فاصل خود را با آنان کشید،
نکته در این است که در مجموعه
اوضاع کنونی جامعه سمست و
سیری که به جنبش توده مردم
داده میشود و هدف اصلی که
پیکان مبارزات مردم با یید
متوجه آن باشد چیست، آیا
پیکان اصلی مبارزات مردم ما
علیه این حکومت بقول شما و
به غلط "ارتجاعی" است، یا
امپریالیسم و بقایای ارتجاع
که در برابر انقلاب ایران فرار
گرفته و وجه اردرون وجه بیرون
جامعه دست به توطئه و عملیات
ارتجاعی مرسدهد و اصلی
حمله گرفته میشود؟ پیکار،
ما هیت رادیوهای امپریالیسم
لسسی را با حکومت کنونی که
نقده در صفحه ۶

"میثاق وحدت" یا
التقاط واقعی

است. و در مجموع بده و بستان
های آقایان بنفج حزب
جمهوری اسلامی و رهبران
خده گرش موقتاً پایان یا -
فته است. برای نمونه در این
توافقنا مه میخوانیم "با
افراد گروه های التقاطی تا
وقتی بر عقیده التقاطی
هستند، همکاری و وحدت میسر
نیست، ... که معنائی جز
نزدیکی بنی صداربجا هدین
خلق که بزعم سردمداران
جمهوری اسلامی و برخی دیگر
شخصیت های روحانی "التقاط"
طی" قلمداد میگردند، ندارد.
ویا در جای دیگر "بروز هرگونه
تمایل التقاطی از هر نوع
با ید فوراً در جمع طرح و انتقاد
شود"، که بروشنی کسی جز خود
بنی صداربجنوا ن گاندیند.
ای التقاطی گری از نظر
آقایان بهشتی و دارودسته -
اش منظورند! و جالب تر
این که خود توافقنا مه،
توافقی التقاطی است چه از
یک طرف میگوید "گروهها تا
وقتی اسلام را درجا معیت
خویش نپذیرفته اند و وحدت
بنیادی ممکن نیست" - و از
طرف دیگر "جنگ و مبارزه
قدرت چه خصمی و چه گروهی" را
ممنوع اعلام مینماید. گویا
آقایان نمیدانند که با در -
گذشت بنیامیرا سلام هیچگاه
مسلمانان وحدت مکتبی
نداشته اند و نتوانسته اند
"اسلام را درجا معیت خویش" آن
طور که بمذاق سردمداران
حزب جمهوری اسلامی خسوش
آید، بپذیرند. از یکسو می -
گویند بنیاید "وحدت" کنیم، و
در عین حال چارچوب مفاد
وحدت عیرقاً بل حمول می -
باشد!

بنی صداربجنوا مقصداری
امتیا ز برای خود بدست آورده
است. از جمله مسئله جلوگیری
از تضعیف ریاست جمهوری و ...
که اینهم قول و قرار تازه ای
بحساب نمیا ید.
بهرجهت، بنی صدارب
امکاناتی که پیرو کشف توطئه
آیت برایش فراهم آمده بود،
نتوانست موقعیت خسود را
تحکیم نماید. و بویژه با علی
کردن متن نوارها، و موضع -
گیری خمینی عملاً اکسریب
روحانیون یا موضع حسینی
گرفسند و با اردا رودسند -
بهشتی - رسحایی بدفاع
برحاسند و حرسی حدار رو -
حاییون لبرال ارسنی صدر.
کسی ارماسان بدفاع بر -
بحاسب.
در آحرسخی با سرداران
مجا هد خلق دارسم، سردسک
بکمال است که مجاهدین خلق
ایران اردرک معسسی ای

اوضاع و احوال جامعه و رو
کنونی و آتی آن پیروی م
نما بیند که عملاً قطب بنی
درون جامعه و تضا د عمده آن
ما بین خود از یک طرف و دار
دسته حزب جمهوری اسلامی
یا بزبان خودشان "ارتجا"
از طرف دیگر فرض نموده اند
در اینکه حزب جمه
اسلامی بزرگترین سازمان
دهنده علنی دارودسته ه
چماق دارو ضدا انقلابی بود
عمده نیروی فعاله خود
علیه مجاهدین بکار گرفت
است، شکی نیست. آنس
قابل شک و تردید میباشدا
است که آیا انقلاب ایران
گردا بین مبارزه بهرحال
و ناحق تکوین می یابد؟
حزب جمهوری اسلامی با
کوبیده شود، و در میان تو
مردم افشاء گردد، ولی مق
تراز آن و برای پیشبرد
فقیهت آمیزترین مبار
لازم می رود که مبارزه تو
مردم بگردد تضا د عمده جامعه
یعنی تضاد میان خلق و امپ
یا لیسم و بقایای ارتج
گذشته که امروزه سدیدان ب
فعالیت پرداخته و تدارک
کودتای خونین رامی بیند
سازماندهی شده و در متن ا
مبارزه است که میتوان عر
تاخت و تازهای اربحاع
باندهای توطئه گرو دسیس
حین حزب جمهوری اسلام
را تنگ و تنگ تر نمود
میدان بدرکرد. ارایر
سب که کنار کشیدن سارم
مجا هدین خلق ایسران
مبارزه صداربجاسب
حاری در عمل با احراف
محر مکرده کدهای اسد
ارسمادهای درون حاحبه
موجود در قدرت سیاسی عم
بددسا الحدکی ارآنان
سده و در آحر سربانک سز
فصا مدندان که اربحاع
و آسده محکمی بر حسوز
سبب، سگان اس
سارده تمدان اس
گردا

در باره دو سخنرانی اخیر.....

بعیه از صفحه ۲

مردم و کارگران و دهقانان را طلب میکنند و در این مبارزات با آنها همراه می-باشد. به عبارت دیگر، ضد-یت با ارتجاع و امپریالیسم وی را در موارد معینی با صفوف جنبش انقلابی هم‌جبهه می‌نمایند و همین هم‌جبهه بودن است که لبه دیگر شمشیرش را نیز گندمی کند. از اینرو شمشیر او گرچه دولبه دارد، لکن هر دولبه اش گند است و از برندگی کافی بر-خوردا نیست و نوسان و دو-گانگی و تزلزل و ضعف مشخصه حرکت اوست.

آنها نیکه به اپورتو-نیسم "چپ" و یا اپورتو نیسم راست دچار هستند، هر یک فقط یک جنبه از مسئله را گرفته و فقط یک لبه از این شمشیر را می بینند. اپور-تونیسم "چپ"، آن لبه ای را که متوجه نیروهای انقلابی است می بیند و قاتل در به دیدن لبه دیگر شمشیر در برابر ارتجاع و امپریالیسم نیست و از اینرو در اتخاذ موضع نسبت به این نیرو به مواضع شبه تروتسکیستی در می غلطند و اپورتونیسم راست نیز تنها آن لبه شمشیر که متوجه ارتجاع و امپریالیسم است را می-بیند و لبه دیگر این شمشیر را از نظر دور نگه میدارند. در نتیجه یکی به دنباله روی و کرنش در برابر او می پردازد و دیگری قادر نیست مبارزه مشترک بر علیه امپریالیسم و ارتجاع را در برنامهاش منظور دارد. با ایدوا قعیست

را آنطور که هست دید و دچار یک جا نیه گری نشد.

در شرایط کنو-نی کشور، که عدم کفایت و سازشکاری

نیروهای حاکم، اقشار روزافزونی از مردم را از اطراف آنان پراکنده می-سازد و زمینه رشد هر چه بیشتر نیروهای انقلابی را فراهم میگرداند طبیعی است که ما ساهد این قبیل برخوردها باشیم. بقول آیت الله منتظری " اینها (مجاهدین) داشتند جوانان ما را می بر-دند"، یعنی اینان در برابرین بستی که نیروهای حاکم دچارش شده اند دورنمای جدیدی را عنوان میسازند و هواداران سرخورده امپریالیسم و نیروها را بسوی خویش می-کشاندند. از سوی دیگر حرکت مجاهدین و بیویژه گذاشته شدن لبه تیز حمله آن به جانب " حزب جمهوری اسلامی" و روحانیت هواداران این حزب و دسته بندی با بنی صدر در عمل برخلاف آن " توحید ناب" باب طبع آیت الله خمینی است و موجبات رشد شکافها و اختلافات را در درون هیئت حاکمه فراهم تر میسازد و پس با ایداینان را " بجای خود-شان " بنشانند و " ماسک از چهره شان " بردارند، تا از یکسوا جمع شدن بسیاری از نیروهای مسلمان جوان و مبارز بگردان خودداری کنند و از سوی دیگر این عامل " نفاق " و " التقاط " را از میان خود برانند. میگو-ئیم عامل " نفاق" نه از این جهت که مناقشات درون محافل هیئت حاکمه زیر سر مجاهدین خلق است، بلکه از این جهت که این " النفاق"

صفا با مصلح یکبار چه روحا-نیت و محافل حاکم و آن یک بار چگی و وحدت کلمه ای که خمینی طالب است راز زیر-یوشش ایضا" اسلامی بخطر انداخته، خواستار تشدید این مناقشات است و نتیجتا به عاملی برای " برهم زدن وحدت" تبدیل شده اند.

در حرکت آیت الله خمینی و نیروهای خرده بو-رژوازی سنتی آنچه که گفتن دارد اینست که اینان به سبب تزلزل، تنگ نظری و محدودیت برد تطبیقاتی و عدم کفایت شان، از قیام به این طرف، با مامشات با جریانات لیبرالی و سازش-کارانه از یکسو و با حرکت در جهت حفظ منافع مشترک روحانیت از سوی دیگر (که همگی اجزائی از حرکت عمو-می این جریان هستند) به تدریج اقشار ولایه های هوا-دار خویش و انقلاب را از طرف خود رانده و صفوف پشتیبان خویش را محدود و محدود تر ساخته اند. این تجزیه، که از سوی دیگر نیز ریشه در بحران سیاسی-اقتصادی جاری دارد، به تلاش های این نیرو جهت جلوگیری از این روند دامن زده و خواهد زد. لاکن " شدت عمل " در برابر کسانی که این " وحدت" را برهم میزنند، کاری از پیش نخواهد برد، زیرا اساس این حرکت روبه انفرادانه در " خرابکاری" این یا آن نیرو، بلکه در عدم کفایت طبقاتی خرده بو-رژوازی سنتی در حفظ موقعیت گذشته دارد.

هدار که ارجاع...

برخی از نیروهای بوررواری ملی و خرده بوررواری در آن سرک دارند یکی گرفته و سر و حاک را با هم میسوراند. آیا این کوبه منحوا هدا رادی حلقهای ایران را به ارمغان

بیا ورید؟ آیا اینست خط مبئی کمونیستی و یا دست کم انقلابی برای جنبش مردم؟ یا اینکه این خط مشی اصلا کمونیستی نیست که هیچ، شدیداً گمراه -کننده بوده و جنبش توده مردم را نه تنها نخواهد توانست رهبری کند، بلکه مردم را از خود تیز منزوی خواهد کرد. وظیفه انقلابیون و کمونیست های ایران در چنین شرایطی که ارتجاع و امپریالیسم در صدد یک کودتای ارتجاعی بوده و از این طریق انقلاب ایران را بمخاطره انداخته است، نه بزعیم پیکار مبارزه خیالی برای " آزادی خلقهای میهن ما در پیا رزه با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی"، بلکه تجهیز توده مردم به وحدت ضد امپریالیستی و مبارزه قاطع با ایدای ارتجاع و عوامل امپریالیسم بوده و در این زمینه است که میتوان و باید علیه سازشکاران و اعمال ضد انقلابی و ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی دست به مبارزه زد. سازشکاران و اعمال ضد انقلابی ای که به سر خوردگی مردم نسبت به این انقلاب و آتیه آن دامن زده و به آن با میدهد و در این میان وظیفه کمونیستها پایدان دادن به وضعیت آشفته فکری "چپ" و راست و پراکنندگی سیاسی و عملی خود است که میباید با همدستی با سایر انقلابیون دست به ایجا دیک قطب انقلابی رده و این انقلاب را ارمحاطرات مقابل با سبب برهاند و به سوی یک حکومت دموکراتیک و صدامپریالیستی سوق دهد. مادام که کمونیستها و انقلابیون راستین ایران مبارزات به انجام نرسد، نکند، سکس "توهم بوده ها" که اکثر گروه های "چپ" در اسطرا آن بسنه اند، سوی ارجاع سرکون شده گراست خواهد داشت.

درجه داران نیروی هوایی

افشاگری میکنند

خواستار مناظره تلویزیونی با تیمسار رشاد مهر (رئیس ستاد ارتش) و تیمسار باقری (فرمانده نیروی هوایی) در حضور حجه الاسلام خلخالی ، تهرانی و مجتهد شبستری شدند ؟
 آیا میدانید : اسنادی دال بر محکومیت تیمسار رشاد مهر و باقری در رابطه با تهاجم نظامی آمریکا موجود است که اگر ملت بخواهند همه را در مناظره تلویزیونی افشاء خواهیم کرد ؟
 آیا میدانید : در تاریخ ۵/۸/۵۸ اعلام جرمی توسط نمایندگان درجه داران علیه سرلشکر باقری به دادستان انقلاب اسلامی آیت الله قدوسی تسلیم گردیده است ؟
 آیا میدانید : نمایندگان بحق درجه داران را ، اخراج ، تبعید ، بازجویی و یازندانی کرده اند ؟
 آیا میدانید : تاکنون چند تن از نمایندگان را بدون مدرک دادگاه کرده اند ؟
 آیا میدانید : حقوق بعضی از نمایندگان درجه داران را که تنها در آمد آنها میباشد قطع کرده اند ؟
 وبالاخره آیا میدانید : ما درجه داران ، قشر مستضعف و محروم ارتش که قلبمان برای تداوم انقلاب می تپد و در این لحظات حساس تاریخ که آسمان ایران جولانگه ای برای تاخت و تاز جنگنده های آمریکا بی شده است از شما ملت مسلمان خواستار حمایت در افشای حقایق و خواسته های برحقمان هستیم و هو - شیا را نه تا آخرین قطرات خون خود علیه آمریکا بجای نخواستیم جنگید ؟

درد بر خمینی سلام بر ملت
 سرگ برامیریا لیسم جها نی به سرگرد کی آمریکا
 و عمال مزدور در ارتش

درجه داران نیروی هوایی جمهوری اسلامی
 بیایگاه سسم شکاری بسوپر

۵۹/۳/۷

۲ - شورای انقلاب
 ۱ - دفتر ریاست جمهوری
 ۳ - مطبوعات
 رونوشت :

میگردن بخور و میبهرم به سحی در میاید . انقلاب را ما کردیم ولی کوئی همه جرحهای جا مع بر علیه ما میجر حسد . همان با زاریان ، کارخانه داران و مفت خورانی که در میان ما زنده اند سرنج ما کاجها سا حبه اند حال همچنان به عارت خود ادامه میدهند . هر صاحب انقلاب است مکتوب انقلاب ، انقلاب مستضعفین است ولی رفی پای نمره انقلاب مرسد سرمایه داران به رس ما مستضعفین بسیار میبندند . حلوحسم ما بسروکا دیلاک سوار شده ، خانه ها و ویلاهای چندمسلوبی سد همان سبک مایبی میسارسد ، ارگله معصهای مادی بهره مند شده مسافرها و خوشگذران بیابان بحای خود (همس حالا که ما زحمت میکسیم یکی ار کارفرمان خودمان با اسفاده از

بسم الله الرحمن الرحيم

اطلاعیه شماره ۲

یوم تبلی السرائر

روزی که بینها نها آشکا رگردد (قرآن)

آیا میدانید : آمریکا جرابه ایران حمله نظامی کرد ؟ و نقش عوامل داخلیش بخصوص در ارتش چه بود ؟

آیا میدانید : اگر نظام ارتش دگرگون شده بود ، مسلمانان ارتش در اسقرار میگردند و سیستم سیاسی آمریکا را زیر و میگردند دیگر نقطه کوری برای آمریکا وجود نداشت ؟

آیا میدانید : نمایندگان درجه داران قبلا ، چنین توطئه های را چندین بار با مقامات مسئول در ایران گذاشتند و دست فرمادها ن خائن را رو کرده اند ؟

آیا میدانید : درجه داران نیروی هوایی بعد از پیروزی انقلاب خواستار دگرگونی سیستم آمریکا می حاکم بر ارتش و جایگزین کردن یک ارتش توحیدی بر اساس ضوابط اسلامی بودند ؟

آیا میدانید : بعد از اینکه نمایندگان درجه داران با پیشنهاد و ارا که یک طرح توحیدی به تمام مقامات مسئول ، خواهان از بین بردن روابط طبقه حاکم بر ارتش شدند و به آنها فقط وعده و وعید دادند ؟

آیا میدانید : هزاران درجه دار که برای حواست به حقشان که همانا واژگوسی سیستم ارتش شاهنشاهی بود در مسجد شاه تهران متحصن بودند ؟

آیا میدانید : نمایندگان درجه داران در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۶

کارگران متحد همه چیز

کارگران متفرق هیچ چیز

همکاران عزیز ، کارگران مبارز شرکت مهندسی جنوب هر روز که میگذرد ما شاهد بدتر شدن وضع خود هستیم هزینه زندگی سرسام آور بالا رفته لیکن حقوق اکثر ما هنوز در سطح حداقل تعیین شده از طرف وزارت کار است که ایس مبلغ خود به روشنی حتی جوا بگوی بخشی از احتیاجات ما هم نیست . این فشار بر روی آن تعدادی که در ایران زنی و فرزندانی هم بوده و احیاناً " کرایه منزل نیز باید بپردازند و افسوس طاقت فرماست . در صحبتهای روزمره همه گله از بدبختیهای خود میکنیم ولی کمتر به نتیجه میرسیم که علت چیست و چه باید کرد ؟ از خود میپرسیم که چگونه است که بیش از پانزده ساله انقلاب میگردد ، انقلابی که بیشترین شهید و رخمی اش از بین خود ما کارگران و رزمندگان بود حال بحای رما هر روز که

هفتاد هزار گذشته، صدها هزار زخمی، هرگز مبادسا زش
هرگز مبادسا زش!

اعلامیه عده‌ای از کارگران شرکت فلور - امفهان

کارگران شریف وزحمتکش!

آنها نیکه ادعا دارند با وجود آورهن "نظم" و با لابردن "تولید" با توطئه محاصره اقتصادی امپریالیستها مقابله میکنند با - یستی هرچه زودتر تمامی سرمایه‌های امپریالیستی را در ایران ملی اعلام کنند و با مصادره انقلابی کلیه سرمایه‌های سرمایه داران وابسته فراری شرایط را برای ایجاد کار برای همه کارگران بیگانه و کارگران فصلی فراهم سازند. با یستی به یکباره و برای همیشه مسئله بیگاری در ایران بصورت انقلابی حل گردد ولی تجربه یکسال و نیمه اخیر حکومت لیبرال‌های مازشکاری چون بازرگان و بنی صدر نشان داده است که آنها نه تنها با انقلاب بیگانه‌اند بلکه با بزنا مه‌های انقلابی نظیر مصادره کردن انقلابی کلیه زمینهای بزرگ مالکان و فئودالها و تقسیم آنها در بین کشاورزان نیکه زمین ندارند و با کم‌داری و یا تنظیم یک قانون کار و انقلابی که بدست شوراها کار - گری تنظیم گردد مخالفت میورزند.

آقای بنی صدر رئیس جمهور بما گفت "شما اگر رسمی شوید تنبیل خواهید شد" و این بزرگترین توهین به کلیه کارگران رسمی در سرتاسر ایران بخصوص به کارگران مبارز شرکت نفت بوده زیرا که همین کارگران رسمی از جمله مبارزترین قشر طبقه کارگران ایران بر علیه حکومت خود کامه پهلوی بودند. آقای رئیس جمهور بما گفت "انداختن بیج و مهره و رویه هم سوار کردن چندتا پلیت اینهمه داد و قال نمیخواهد" در صورتی که هرکس یک جو عقل داشته باشد با لایشگاه نفت امفهان را یکی از بهترین نمونه‌های صنعت مدرن دانسته و این پالایشگاه با تمام عظمتش بدست توانای کارگران قهرمان شرکت فلور و شرکت نفت ساخته شد حال بدخواهان آنرا آهن پاره بخوانند یا نامی دیگر.

کارگران مبارز شرکت فلور

بکوشیم بر علیه هر نوع طرحی که از اخراج کارگران صحبت کند مبارزه‌ای سخت را آغاز کنیم و از هم اکنون در مورد افراد سالخورده یا بیکه توان و قدرت کار سخت بدنی را ندارند با تامین احتیاجات آینده آنها را بر طبق مزایای بازا - نشستگی شرکت نفت در نظر بداریم و برای کلیه کارگران دیگر اعم از ساده و یا متخصص تا تامین شغلی از هرگونه سیاست تفرقه‌جویی نماشیم. اکنون چندین میلیون کارگر ایرانی که در جریان انقلاب بیگانه شده اند با سختی و مشکلات زندگی با فقر و گران‌بایی و تورم دست به گریبانند و از ما کارگران شاغل موقت انتظار دارند که با مبارزه خود بر علیه بیگاری و اخراج شدن، خواسته‌های خود را چنان مطرح سازیم که کلیه کارگران فصلی زیر پوشش بیمه دولتی بصورتی رسمی درآیند و این امر باید در سراسر ایران برقرار گردد و تنها به پالایشگاه نفت امفهان محدود نگردد. ایجاد کار برای کلیه کار -

جاسوس دزد، وطن فروش خائن، دشمن کارگران و نوکر بیگانگان، صفاتیان بار دیگر در خدمت به اربابان امپریا - لیست خودخوش رقصی نموده و در مورد پرداخت حقوق عقب مانده ما کارگران دست به مخالفت جدی زده است. برای کلیه افرادی که با این عامل و جاسوس آمریکا یعنی صفاتیان ضد کارگر - آشنائی دارند از این عمل وی در تعجب نبوده و نخواهند بود. ولی برای آن عده از رهبران در شورای ما که با سرسختی تمام مقابل کارگران انقلابی و سرپرستان مترقی ایستاده و مبارزه بر علیه صفاتیان را توطئه می خوانند غافل از آن بودند که با حماقت سیاسی خود از شکفته تر شدن مبارزه اصیل و ضد امپریا - لیست کارگران بشدت جلوگیری کرده و با بیشرمی تمام ادعا کردند که "ما بر علیه این آقا مدرک نداریم" و در حضور کارگران تبلیغ میکردند که "ما حتی از ایشان اضافه حقوق هم نمیگیریم" آن روز که آقای نیسپورک بیگانه و همراه کلیه افراد خارجی همگی مریض میشوند و ایران را ترک میکنند همگی ما کارگران فریاد برآوردیم که قبل از فرار این جنایتکاران با یستی حقوق تمامی کارگران از آنها باز پس گرفته شود ولی عده از رهبران ما در شورا حتی در این مورد جلوی ما کارگران را سد کردند. آن روز که غارتگران فراری عامل جاسوس و نوکر صفت خود یعنی صفاتیان را بعنوان جانشین خود برگزیدند ما کارگران با تمام وجود فریاد برآوردیم: مرگ بر آمریکا - مرگ بر صفاتیان ولی این آقایان این فریاد حق طلبی ما را توطئه خواندند و این مبارزه مقدس را "توطئه ضد انقلاب" خواندند. این دوستان شورائی ما چون شمسیانی ندارند و قادر نیستند که در جلوی کارگران مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم را رهبری کنند و به ناچار لاشه خود را کشان کشان در آخرین صف کارگران همراه میکنند نمیدانند که اگر قرار باشد مبارزه ضد امپریالیستی "توطئه" باشد پس با یدیگفت که این همه مبادسا زات کارگران و دهقانان و تظاهرات چند میلیونی مردم بر علیه آمریکا چیزی جز توطئه نبوده است. تنها میماند یک رو - سیاهی بزرگ که بعضی آقایان در شورای ما به ما کارگران و ملت قهرمان بدهکارند. روسیاهی از آن جهت که در مورد پیش - نهاد انقلابی یکی از نمایندگان شورا مبنی بر تشکیل یک دادگاه خلقی و محاکمه صفاتیان در حضور کلیه کارگران با یستی - شرمی تمام سکوت اختیار نموده در این مورد هیچ کاری انجام نداده اند. و ما مبارزات ما کارگران برای بوج آوردن یک ایران آباد و آزاد همچنان ادامه دارد و برای رسیدن به اهداف مقدس آزادی - استقلال و جمهوری زحمتکشان راهزیا - دی در پیش داریم و هرکس که بخواد در زیر قدرت طبقه کارگر قهرمان ایران زمین سرود بهتر است در مبارزه عظیم طبقه کارگران رگرسنگ برانی ننگند و همراه گردد. اکنون با ید تمام قدرت را جهت روشن کردن وضعیت نامعلوم آینده استخدا می خود نموده.

از خواسته‌های بحق کارگران متحصن پی‌یو

حمایت کنیم!

— بعین سرپرست و مسئول متحصن (که از طرف صاحب کار —
 خانه یا سخ گوی خواسته‌های کارگران باشد. شورای
 کارخانه معملا بسیاری کارگران کارخانه را اداره میکنند و
 پس از قیام سبزه‌بخت خود و بدون هیچ کمکی موفق به
 کشایش و راه اندازی مجدد کارخانه شدند)

توضیح اینکه تولید این کارخانه مورد نیاز و مصرف بیش
 از ۲۰۰۰۰۰ صنعتگر کفایش میباید که اگر خوابیدن کارخانه به
 همین حوادث مه‌پیدا کنند علاوه بر بیکاری و خطرات تیکه‌ها منگیر
 ۱۹۴ کارگر زن و مرد این کارخانه میباید شادان و آسوده
 کفایش را نیز در آنجا را خلال خواهند نمود و راه را برای واردات کفی
 کفش توسط دولت نیز تحت عنوان رفع کمبودها نخواهند
 گذاشت! اگر این دولت واقعا خواهان قطع وابستگی
 اقتصادی بود حتما با ینگونه تولیدات داخلی توجه بیشتری
 میکرد، پس حتما ریگی در کفایش دارد و آنهم حمایت از سرمایه
 داران و سرمایه‌داری است که مورد فوق فقط مثنی نموده
 خوار است. بقیه در صفحه ۱۰

— اعلامیه کارگران فلور — بقیه از صفحه ۸ —

گران فعلی و کارگران بیگانه رتنها بندی است که طبقه کارگر
 ایران را در مقابل خطر بیکاری متحمس می‌ازد.

امروز با دسموم و خطرناکی از طرف حزب نوظهور
 "حزب جمهوری اسلامی" در جهت از بین بردن شوراهای
 انتخابی کارگران آغاز زیدن گرفته و می‌رود که اساس این
 تشکیلات دمگرا تیک را با برنای مه‌ای مرتجعانه ولی زبرلوای
 "اسلام" از بین ببرد. سیاست ما کارگران در مقابل این
 حرکت ضدکارگری دفاع از موجودیت شورای خود است و
 بایستی با تمام قدرت در مقابل انحصارگران و مستغدان
 جدید مقاومت کرد و در زمان واحد محافظه کاری و با سارنگا
 ری عناصری از نمایندگان شورانی نیز باید غلبت کرد و شورای
 تحقق خواسته‌های بحق خود یک شورای واقعا انقلابی را
 وجود آورد. مرگ سراسری آمریکا — مرگ برصائیان!
 نباید کارگران را خراج کرده!
 حقوق کارگر بردها خراب کرده!

عده‌ای از کارگران شرکت فلور — امضا

کارخانه پی — یودر کیلومتر ۲ جاده رست — انرلسی
 مراد دارد. سعاد کارگران ۱۹۴ نفر (زن و مرد) و تولید آن
 کفی کفی (در اندازه‌های مختلف) میباشد. مواد اولیه
 مورد نیاز این کارخانه، پلی ابی دونان با نام اخسار و
 مواد سیمایی دیگر نظیر بگن — مواد تستو و... میباشد.
 که در سطح جهانی فقط از سه منبع خارجی قابل تامین می
 باشد: کمپانی سل آمریکا — آلمان غربی و کشورهای بلوک
 شرق. این کارخانه متعلق به شخصی بنام امین حضور میباشد
 که از سرمایه‌داران سزرکی است که چندین کارخانه نیز در
 تهران دارد. دفتر مرکزی این کارخانه در شهران قرار دارد.
 حدود ده ماه (اردیبهشت و خرداد جاری) کارگران این
 کارخانه بعلت نبودن مواد اولیه و لوازم یدکی، بیکار و بی
 حقوق میباشند. شورای کارخانه برای تامین بودجه جهت
 خریداری مواد و پرداخت حقوق عقب مانده از طریق اسباق
 بازرگانی، اتانق صنایع و معادن، دفتر مرکزی کارخانه و
 استانداری گیلان از ما هیای قبل در این مورد گوشه‌نش و
 اقدامات زیادی بعمل آورده که هر با بعلت کارکنی هیای و
 بهانه‌های مختلف " مقامات " صاحب کارخانه کارش بی
 نتیجه ماند. در زمان دکترووران (استاندار قبلی) هم
 برای رفع مشکلات و احتیاجات موجود کتبا نامه‌های زیادی
 با ستاندار داد شده که تا کنون بی جواب مانده و فقط شورای
 این کارخانه را به اینجا و آنجا پاس داده‌اند.

طبق " قانون " کار هر وقت به حکاری کارخانه‌های
 بیشتر از سرمایه‌های اولیه باشد، کارخانه ملی خواهد شد که
 در حال حاضر این کارخانه دو برابر سرمایه اولیه اش مسرض
 دارد. از حدود ۵ — ۴ ماه پیش ۳۰۰ تن مواد خریداری شده و
 موجود در مرگ آستان را بعلت نداشتن پول جهت ترخیص جنس
 (طبق گفته صاحب کارخانه) خاک می‌خورد. (برای تحویل
 و ترخیص کالای نامبرده احیاج به پرداخت ۵ میلیون و پانصد
 هزار تومان پول میباشد) . استاندار گیلان مدنی قبل گفته
 که ما در صورتی وام مورد نیاز کارخانه را بشما — شورا — میدهم
 که تعهد کنید که خوب کار کنید و پنجاه تنه‌ها را تعطیل نکنید!!

در آخرین نشست برای تصویب و امدرنانق بازرگانی
 استان به شورای کارخانه گفتند که " وام را فقط به صاحب
 کارخانه میدهم ". با مسایل و مشکلاتی که توضیح داده شد و با
 وجود طی تمام " مراحل قانونی " بعلت بی توجهی مسئولین
 و مقامات مربوطه، شورای کارخانه با مواضع و پیسنها دهمه
 کارگران، ا ر صبح روز سه‌شنبه ۲۷/۳/۵۹ ساعت ۸ در محل کار
 خانه برای رسیدن به خواسته‌های خود بترج زرا اعلام تحصن
 به مدت ۴۸ ساعت نمودند:

- دریافت حقوق‌های پرداخت شده از دست و پرداخت
- حل مسایلی و رسیدن به مشکلات این کارخانه و تولید
- تامین بودجه مواد و لوازم یدکی

حقیقت

ارگان اتحادیه
 کمونیستهای ایران
 را بخوانید و پخش کنید

کارگران متحد همه چیز

دسریج مادر سواحل دریای حریره عسقیازی مشغول است. (جسپا و میهما بیهای سرومندانمان هنوز برپا و میلیونها تومان بر وسان سیزدربا بکها با مین داده شده است و ما هم حاضر به تکرار نیم که چگونه خود وزن و بچه های خود را سیسر کنیم. کرایه فیمتها کمر ما کارگران را خورد کرده و لیکساکرا را این معنوران که خود عا مل گرانینند بپرسید میگویند که بالا رفس مزد کارگران باعث گرانی اجناس شده است. رهی بیسرمی. آنها میگویند که این چند رغازی که بما میدهند نیمها را چهار برابر بروینج برابر بالا برده است ولی ما که خود میبیسیم چه گسانی روز بروز کلفت تر میشوند.

علت همه این بدبختیا این است که عده ای سرمایه دار و اباسه و غیره با بسته با میریا لیسیم شمره کار و زحمت ما را باسه حبیب میزنند و با زمانیکه وضع به همین منوال باشد یعنی استئما رباقی بما ندما کارگران با فقر دست و پنجه نرم خواهیم کرد. تا وقتی که سرمایه داری هست ما روی خوش نخواهیم دید و چاره نهائی ریشه کن کردن سرمایه داری است.

آنچه که ما را بر آن داشت تا این نوشته را بنویسیم گفتن این بدیهیات نبود بلکه میخواهیم توجه برادران کارگران را به وضع شرکت جلب کنیم، وضعی که ما را در معرض بیگاری جمعی یا گروهی قرار میدهد. شرکت پیما نکاری مهندسی جنوب که قرار داد کابل کشی و نصب تابلوهای برق نوردد جدید ذوب آهن را دارد تا قبل از انقلاب با پرداخت حقوق ناچیز بدون حق مسکن، بیمه درمانی، حق ایاب و ذهاب، کفش و لباس کار، حق ارتفاع، سودویزه و ... چنانکه حاصل کار سودهای هنگفتی برای این داشت به بیش برد

اما بعد از انقلاب ما جان شرکت که اوضاع سیاسی را نا بسا مان دیده و میترسیدند که کارگران یقینآنان را بجسینند (و تا بید هم همچون بسیاری از سرمایه داران به تکرار بداشن دردیها و فرار از کشور بودند) حاضر به ادا مه پیمان خود نبوده و آنرا با شرایطی که سود آنها را هم تضمین میکرد به پیما نکاران جدید (برادران انتظاری) سپردند. ایان گد خود را در بهره گنی از کارگران خبره تر از پیما نکاران اصلی می دانستند، بندها سند که به خاطر وجود صفت عظیم بیگاریان با پرداخت حق همان حد اقل مرایا و با تسویق های فلابی سود دلخواه خود و پیما نکاران اصلی را حاصل مسما سود و حسن ببرد، ایسا را با بند سیرا ر قبل اسما ر میسیدیم و سر به سها هیچ مرایای جدیدی بما سعلق نکردند بلکه حقوقها سر سرفه بردا حد مسند. البته برای اس معنوران هسح میم بسد که ما مثلا دو ماه و نیم همس حقوق با حیرا هسح نگرسیم آنچه برای آنها مهم است است که خود و مهندسان سرمایه دار و حقو بیهای سر اردو کرده هر ارسونان در سانب گسند.

یعنی ما کارگران هر ماه با بیدیش از شصت یا هفتاد هزار تومان حقوق به گسانی بدهیم که هیچ نقشی در کار ندارند و این با زه بدون در نظر گرفتن سودهای کلانی است که پیما ن کاران جدید و اصلی (یعنی گسانی که بیسترا چهره منحوس سان راحتی یکبار هم ندیده ایم) متفقا" بالا میکشند. جالب اینکه بعضی مواقع پیما نکاران سومی هم پیدا میشوند و آنها هم سهم خود را از زحمت ما میبرند. وای بر ما کارگران که قدر سر خر و مفت خورداریم!! و اما مدتی است که درجه سود ببری آنها بخاطر اختلالات در کار تهدید به کاهش میشود (و شاید هم پیما ن های سود آوری زیر سر دارند و میخواهند خود را باسه این بیها نه از این کار خلاص کنند) از این رودر فکر آن هستند که یا عده ای از ما را اخراج کرده و کار همه را از کرده بقیه بکشند تا سود لازم تا مین شود و یا کلا" این پیما ن را رها کنند که در هر دو صورت ما کارگران ضرر خواهیم دید. ما (گروهی از کارگران شرکت) فکر میکنیم قبل از آنکه آنها به اهداف تولید خود برسند و بر نا آگاهی ما زهر خند بزنند باید یکبار و قاطعا نه جلوی مفتخوریها را گرفته و کار شرکت را خود بدست گیریم. بر ما کارگران روشن است که نورد هنوز حدود یکسال یا بیشتر کار دارد و ما با نظارت ذوب آهن قادر به انجام کار هستیم پس دیگر چه احتیاجی به پیما نکاران اصلی و فرعی و فرعی تر، این مفتخوران رنگارنگ داریم؟ ما متحد باسه وسیله انتخاب یک شورای حداقل پنج نفره از گسانی که واقعا طرفدار کارگران و سازشکار نیستند باید در پی تحقق این خواسته برآئیم. از همین الان روشن است که با روشن شدن این طرح ما با صف پیما نکاران و عمالشان در شرکت روبرو خواهیم شد که با دسیسه های گوناگون سعی در منصرف کردن ما خواهند کرد. تهدید بد اخراج یا بحث در این خصوص که گویا بهتر است کار را به همین شیوه کنونی ادا مدهیم (یعنی با جهای سنگین بپردازیم) از شیوه های اصلی مقابله آنها با ما سب. آگاه باشیم، تزلزل به خود راه ندهیم. رمز پیروزی ما در وحدت ما است، بدون اتحاد حتی قدمی هم نمیتوانیم برداریم. با شدتا با اتحاد دو یکدلی بیروز شویم و در کارگران متحد را همچون سنگ به سر سرمایه داران بگویم.

با مید مرفعیب

گروهی از کارگران سرگت مهندسی حبوب ۱۳۵۹/۳/۱۷

خواسته های برحق کارگران پی پیو

با وجود که ارور و سفل، اعلام بحص و حواسده های کارگران کارخانه پی پیو کسا" به اداد سو بطور شور داده شده بودا ما بیبانه " بداسس محورنا بوی ارحر آن خود داری گردند. (بحص امروز چها رسنه انا مدد دارد)

ما مصی حمانت کامل خودا ر حواسدها و بحص سرحوی کارگران پی پیو ارگله مردم ما ر رکسلان و ر حمکسان و سروز های مسرفی و اسفلانی مسخوا هم ما ما مکانات کارگران محص را ناری رساند

دست مقامات صدکار کار ر بوظه سرغند کارگر

محص پی سوکساده!

مرک سرا مرنا لسم آ سربکا رفا مین بوظه کسر

دا اصلی اس

ارباوه‌ها بی که مطب -
را ده در مورد آ را دی جا -
سوسا ن آمریکا بی به
حربکار "پاری ما ح"
میگوید ، اسادر صا
اصفای معا و ورار ب

نطب زاده معا مله میکنند

بفیه ا ر ص ح ه آ ح ر

کسا ورزی و نما ی نده مجلس
سورای اسلامی در مصاحبه خود
بیا رور نامه کیهان در مورد
حکونکی حل مساله "کروکا نها"
ار جمله چنین میگوید : "شک
نیست که مساله کروکا نها باید
به سکی حل شود ، چون گرمتن
اینجا به عنوان گروگان یک
مساله واهی وبی پایه نبود و
طبعا رها کردنشان هم بدون
دلیل وبدون اینکه خواسته
های اعلام شده صورت تحقق به
خود بگیرد درست نیست" ویا در
جای دیگر میگوید : " اینها
سمبل سیاست آمریکا هستند ، ما
اینها را به جهت اینکه آمریکا
بی بودند به گروگان نگرفتیم
بلکه به عنوان افرادی که در
حساس ترین مرکز سیاسی
آمریکا در ایران که بر علیه
جمهوری اسلامی اقدام کرده -
ا س م ح ا ک م ه م ی ن و ن د (ک ی ه ا ن
س ه ش ن ب ه ۱۵ تیر ماه ۱۳۵۹) .

بدین ترتیب علیرغم
خواست دار و دسته های سازش -
کا ر ح ا ک م که میخواستند مسئله
جا سوسا ن آمریکا بی را در پیست
پرده "حل" کنند ، این مسئله
در هفتده های آینده از مهمترین
ویرجنا ل برین مسائل سیا -
سی جا معه حوا ه د ب و د ، ک م و ن س ت
ها و سایر انقلابیون را سس
ایران ار هم اکنون تا سس
سوده ها را برای درگیر شدن در
مسار ره "مدا میرا لیسسی
با حوا س ت م ح ص و م ر ح ل ه د ای
م ح ا ک م و م ح ا ر ا ب ج ا س و س ا ن
آمریکائی سح نما سس د و
س ر ح م م ا ر ر د ای ر ا ک د د ک ر ا ن
س ا ک ن و ن د ر د س د ا س د و س و ا -

حاسوس های آمریکائی سسا
امریالیسم آمریکا به معا مله
سسه اسب حتی رمان آ را دی
جا سوسا ن را بین چهار با سح
هفتده سسی میماید .
سسی برنیب در سراطی
کدبا سده ی سا رسکا ر و س د
ا س ل ا س ی م ح ا ق ل ح ا ک م ه ر و ر ب ه
ح ا د ن ه آ م ر ی ب ی ج د ی د ی د س ت
م ی ز س د و م ر د م ر ا ا ر م ب ا ر ر ه ه ض
ا م ر ی ا ل ی س ن ی ب ه ک ا ل ه ا ی
ا س ح ر ا ق ی م ی ک ش ا ن ن د و ر ب ر ا م و ر
ح ا ر ج ه " د و ل ت ج م ه و ر ی ا س ل ا م ی"
آ ر ا م و ب و د و ن ه ی چ س ر و ص د ا ث ی د ر
ت د ا ر ک آ ز ا د ک ر د ن ج ا س و س ا ن
آ م ر ی ک ا ث ی ا س ت . ا م ا ص ا د ق
نطب زاده با وجود اینکه تا کنون
چندبار رتلاشهایش در زمین ه
آزادساختن جا سوسا ن
آمریکائی با شکست مواجه شده
است گویا هنوز نغمه پیده که
آزادی جا سوسا ن آمریکا بی به
این سادگی ها هم نیست که
ایشان حتی تاریخ آنرا برای
خبرنکار روزنامه "پاری ما ح"
تعیین مینماید ، وزیر امور
خارجه گویا هنوز ایمان را
بفهمیده است که دار و دسته های
سازسکار برای آزاد کردن
جا سوسا ن آمریکا بی اولیا
سوده های مردم ایران رو بسرو
هستند و مردم نمیگذارند که به
همین سادگی یا بدسار سکار
سرجا سوسا ن با آمریکا معا مله
کند ، با سسا با سده های درون
حوس بر سر جکوسکی "حل مساله
کروکا نها" موا ح ه ه س س د و
حنا حیا ثی ا ر ا ب ی ح ک و م ت س ر
س ر ا ح ی س ل ی م ب ا ب د س ا ر س ک ا ر
س ی م د ر س ح و ا ه د س د ، د ر س ت س س

نیرنگ مسکو

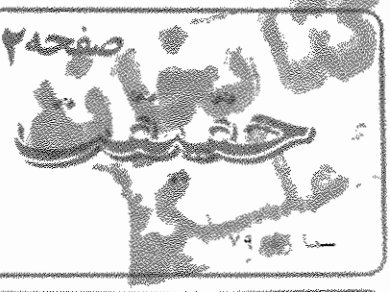
سغه ا ر م ص ح ه آ ح ر

مسکوا میدو ا ر ا س ب که تیل ی ف ا
ص د س و ر و ی د ر م ن ط ق ه و ت ه ی ج
م ر د م ع ل ی ه خ ط ر ا م پ ر ی ا ل ی س م
ن و خ ا س ت ه ، ر و س ک ا ه س ی ی د ا
ک ن د . ن ا ن ی ا " م ن ظ و ر ا ز آ ن ا د ا
و ا ط و ر ا ه ا ی س ا ز س ک ا ر ا ن ه د ر
ب ر ا ب ر غ ر ب ف ه م ا ن د ن ا ی ن
م ط ل ب ب ه د و ل ت ه ا ی ا م پ ر ی ا -

لیستی غرب از جمله آمریکا -
ست که برای مذاکره و معا مله
بر سر افغانستان آمادگی
داشته و با مصلح نگرانی های
غرب را راجع به اوضاع منطقه
و افغانستان " درک میکند ."
این ادا و اطوار تبا نی جو -
یا نه ه شوروی که بلافا صله بر -
خی ا ب ر ا ز ا م ی د و ا ر ی ه ا ر ا ا ز
نوی مقامات دولت آمریکا
و متحدینش به همراه آورد ،
خطر کنرا آمدن ا بر قدرتها
را بر سر مسائل منطقه ، که
مسئله افغانستان جزئی
از آنها را تشکیل میدهد ، به
مردم کشورهای منطقه گوشزد
میکند . طبعاً "امپریالیسم
آمریکا که خود را نیز در وضع
بحرانی و خیمی در کشور ما
می بیند نسبت به این گرایس

نستند ا م م و ف ق ا ب ه ب د ی س س ر ی د
د ر د س ت ک ی ر ی د و ح پ ر ه س ا ر س -
ک ا ر ا ن و م م ا س ا ب ج و ب ا ن ب ا
آ م ر ی ک ا ر ا د ر م ا ن م ر د م م ا
ر س و ا س ا ر ی د . ح و ا س ت م ر ح ل د ای
و م س ح ی م ح ا ک م و م ح ا ر ا ب ج ا -
س و س ا ن آ م ر ی ک ا ث ی ا ل ی س د ا ر
ح و ا س د ه ا ی م ه م م ا ر ر د م ا س ت
و ل ی ک ی س ی ح و ج ه د ا ن م ح د و د
ن م ن و د . م ا ر ر د م د ا م ر ی ا -
ل ی س ی ن ا س س ا ی ج و د ر ا ا ر
ا س ح و ا س ت س ر ا س ر ک د ا ر د ه د ر
ح ن ب ر د ن ن ا س د ه ا ی ا م ر ی ا -
ل ی س م د ر ا س م ا د و س ط م س ا ی و
ا ح س ا ی و ی و ر د ی ف و د آ ن د ر
ا ر س ح ی و ی ا س ل ا ی س ا
م ر ا م د ه ا ن - د ر - - - -
س ر ک س س ک س ر د ا ر

کمک های مالی خود را بهر طریق ممکن ارسال نمائید



قطب زاده بر سر جاسوسان آمریکائی معامله میکند

احضاراً مادی مطبوعه

ورسرا مورخا رخد دولت
 "جمهوری اسلامی درصا -
 خدای نارورما هه فراسوی
 ناری ماچ " سرباط آزادی
 جاسوسان آمریکائی را اعلام
 کرده است . قطب زاده مطبوعه
 خدای با حسیرتکا رفرانسوی
 رسا " اعلام میدارد که آزادی
 کروکانهیا دوشروط دارد . یکی
 شرط " سیاسی " و دیگری
 شرط " اقتصادی " .
 شرط اقتصادی که مرد
 شماره یک سیاست خارجی
 دولت " جمهوری اسلامی "
 سرای آزادی جاسوسان آمر -
 یکائی تعیین کرده است
 " لغو محدودیت های اقتصادی
 آمریکا و دوستاش و نیز آزاد
 ساختن دارا شیپسای ۱۲
 میلیار ددلاری ایران مینا -
 شد " و شرط سیاسی آقای وزیر

انجا دکرده نودر طی چند ماه
 گذشته تمامی سنی شان این
 بوده است که اولاً ارا وجگیری
 مبارزات فدا میریالیستی
 مردم ایران جلوگیری بعمل
 آورند و ثانیاً راه را بر سرای
 ورودا میریالیستیهای آمر -
 یکائی به صحنه سیاسی و
 اقتصادی ایران هموار سازند
 منتهی با شروطی که در رودسته
 های سازشکار حاکم . بر سرای
 امیریا لیسیم آمریکا تعیین
 میکنند . همچنین مادی قطب
 زاده میگوید که : " آمریکا -
 شهادت در دوماه گذشته کار غیر
 عادلانه ای انجام داده اند
 و این یک موفقیت برای سبک
 است آمریکا است . " یعنی
 آقای رمزی کلارک پس از
 مسافرت به ایران قبول و
 قرارهایی که با مقامات

برسر بقعه در صفحه ۱۱

نیرنگ مسکو

دولت شوروی در این
 اواخر نظر هردان میکنند که
 در مورد بیرون کشیدن سدرجی
 شورای اشغالگر خود را اشغال -
 نستان است . در همین
 ارتباط دولت شوروی طی
 نامه ای به ژنرال ریگارد
 رئیس جمهور فرانسه و سینی
 در تبلیغات رسمی خود اعلام
 کرده که بخشی ارتقوای اشغال
 گر خود را در افغانستان به
 خاک شوروی بازگردانیده
 است . نکته قابل توجه این
 که این اقدام ادعای سیاسی
 شوروی درست در زمان سر -
 گزاری کنفرانس اقتصادی
 کشورهای امیریا لیستی
 غرب در وین ، که از جمله
 مسئله اشغال نستان را نیز در
 دستور کار خود قرار داده بود ،

با ربهای آمریکا در سالهای
 اول اشغال و سهام است .
 هفته سه هفته سر بعد از شورای
 اشغالگر خود در افغانستان
 مسافرا نمود در سر از هر روح
 واحدهای نظامی فرود شده
 خود را بر تاشا خدرا سر واحد
 های نار و پس به خاک اشغال -
 نستان کابل میگرد .
 اما این سرنگ کف
 امیریا لیستی به دو منظور
 صورت میگیرد . اولاً منظور
 از آن فریب افکار عمومی
 جهان و اتحادیک نوع است
 واری گاند است صبی سر
 است که گونا اشغالگران شوروی
 سزودی از خاک اشغال نستان
 خارج شده و اوضاع بحال عادی
 ساز خواهد شد .
 بقعه در صفحه ۱۱

و همجنس در روز اول سر -
 گراری کنفرانس به حدی
 راجع به افغانستان در زینو ،
 اعلام کردید . در همان زمان
 بر ژنرال سفاک اعلام کرد که از
 قرار معلوم شکست های فاحشی
 به حسی مسلحانه مردم
 افغانستان وارد شده و سدرج
 ضرورت حضور نظامی شوروی در
 افغانستان را هش پیدا میکند .
 طبعاً " تمام این ادعا ها و
 ادا و اطوار های سیاسی
 دولت روس دروغ و فریبکاری
 سیاسی کثیفی است سبک .
 به حسی مسلحانه مردم

افغانستان دچار شکست و
 عقب رسانی شده و به حسی
 نظامی اشغالگران مسکو
 کاهش یافته است . برعکس
 مردم بهرمان افغانستان
 با کسوف ضربات مرگباری
 بر شورای اشغالگر وارد شده
 و انعامات عمومی و نظایر
 های نوده ای در شهرها همراه
 با تسلیحات به چریکها در سه
 چهارم خاک اشغال نستان
 پیروز مندانه ادا میدارد .
 دولت امیریا لیستی روس
 سر خلاف تسلیمات بر سرنگ را -
 به خود ، که با او در سرنگ